اسنادی از جنایات رژیم پیشین - ۹

# کشور «جذامی بین‌المللی» چگونه از انزوا بیرون آمد؟

**سرکوب اعتصاب‌های کارگری و شورش‌های دهقانی، «کمونیست» خواندن همه مخالفان سیاسی، نبودن اتحادیه‌های کارگری و دانشجوئی، سانسور شدید مطبوعات، کتاب، فیلم و تاتر، تورم و فقر و دهها مساله دیگر از جمله موارد مورد استناد مخالفان بین‌المللی رژیم شاه بود. از جمله راههای مبارزه با تبلیغات ضدایرانی، دادن آگهی توسط شرکت‌های خصوصی، مطبوعات غربی، اعزام کسانی برای سخنرانی و مصاحبه و تهیه لیستی از ۵۰۰ تحصیلکرده ایرانی برای نوشتن نامه به مطبوعات غربی بود.**

«کوههای بین‌المللی می‌کوشند تا ۱۹۷۹ را بعنوان سال مسروی کردن ایران و مسرفی کشور ما بعنوان جذامی بین‌المللی در آورد. اگر شاهنشاه اراده بفرمایند خواهیم توانست همین سال را بصورت سال مسرفی واقعی ایران و دستاوردهایش در اروپه و از فرصتی که دشمن بوجود آورده است بسود میهن خود بهره گیریم.»

بلافاصله کمیته و دبیرخانه و... تشکیل می‌شود، تا از طریق آن نخست‌وزیر، وزیر امور خارجه، وزیر اطلاعات و جهانگردی، سفیران ایران در پایتختهای صمده غربی و چند شخصیت از میان کارشناسان امور سیاسی بتوانند سال جذامی را برای ارباب‌شان، به سال مسرفی واقعی ایران و دست آوردهایش تبدیل کنند.

نامه از محتسوزیر نوشته شده و صفحات ۲ و ۴ و ۶ آن در دست نیست. با این حال به اسناد همین چند صفحه می‌توان حقایقی را از فعالیتهای پشت پرده یدی شاه مستوح برای ادامه قدرت طاغوتی او در نتیجه تحکیم مواضع خودشان که مترادف با غارت و چپاول بیتالمال و دستگیری و کشتار هزاران جوان این آب و خاک بود، کشف کرد. مواردی که گروههای آزادیخواه غربی به استناد آنها، ایران و رژیم شاه را مورد حمله قرار می‌دادند در این نامه بعنوان «بهانه‌های حمله» که توجه گروههای آزادیخواه، حقوق بشر، دفاع از دموکراسی و حمایت از زندانیان سیاسی از میان کشورهائی چون اسپانیا، پرتغال، یونان، هند، شیلی، ترکیه، آفریقای جنوبی و کشورهای مشابه، به ایران جلب شده است و این گروهها به دنبال سوژه تازه می‌گردند و غرب چون نمی‌تواند از نظر نظامی، قدرت‌نمائی کند، دنبال این بهانه‌ها در صفحه ۲ این سند قید شده بوده که متاسفانه معلوم نیست به چه سرنوشتی دچار شده است. در باقیمانده نامه راههائی نیز برای معرفی ایران بعنوان کشور «جذامی بین‌المللی» و رسوا ساختن رژیم شاه پیش‌بینی شده که پاره‌ای از آنها چنین است:

- قطع ارتباط تلفنی، پستی و تلگرافی با ایران برای یک روز یا یک هفته بعنوان اعتراض.
- تهیه و اجرای ترانه‌ها، نمایشنامه‌ها و برنامه‌های هنری ضد ایرانی.
- تظاهرات علیه مقامات ایرانی که به غرب سفر می‌کنند.
- تبلیغات میان ایرانی‌های مقیم خارج و تورریستهای ایرانی در غرب.
- ترتیب سمینارهای ضدایرانی در دانشگاهها و مراکز علمی و پژوهشی.
- استفاده از نویسندگان، هنرمندان و ستارهای معروف سینما برای جلب توجه افکار عمومی به مبارزه علیه ایران.
- تحریمهای موضعی و کوتاه مدت تجارت با ایران (خودداری از حمل کالا به ایران و...).
- اعمال فشار بر دولتهای غربی برای اتخاذ مواضع ضد ایرانی.
- تحریم خرید کالاهای ایرانی هرجا که ممکن باشد.
- ترتیب دموستراسیون‌های بزرگ نمایشی برای مخالفت با ایران.
- چاپ و انتشار پوسترها، کارت پستال‌ها و دکمه‌های ضد ایرانی.
- گسترش کمک مالی به وکسفندزاسیون و دیگر سازمانهای مخالف ایران.

در این نامه قید شده است که وادعاهای بعنوان سلاح‌های کمکی در حمله به ایران مورد استفاده قرار خواهد گرفت که از جمله می‌توان موارد زیر را ذکر کرد:

- اتحادیه‌های کارگری و دانشجوئی واقعی در ایران وجود ندارد.
- هیچ نویسنده یا شاعری نمی‌تواند بدون اجازه ساواک چیزی منتشر کند.
- دولت واقعی ایران ساواک است که خشونت بیش از حد بکار میبرد.
- شدیدترین نوع سانسور مطبوعات، کتاب، فیلم و تاتر در ایران اعمال می‌شود.
- اعتصابهای کارگری و شورش‌های دهقانی در ایران صورت می‌گیرد و سرکوب می‌شود.
- هرکس کوچکترین تخالفی با یک مقام دولتی بکند وکمونیست خوانده می‌شود و به زندان میرود.
- تورم بی‌اندازه می‌کند و توده مردم روزبروز فقیرتر می‌شوند.
- ایران پول خود را صرف خرید اسلحه می‌کند درحالیکه مردم نیازمند زندگی بهتری هستند.
- ایران در خلیج فارس نقش امپریالیستی دارد و ژاندارم منطقه است.
- برنامه‌های اقتصادی ایران بیش از حد جماعت‌البانه بوده و شکست خورده است.
- فساد و رشوه‌خواری در ایران رواج دارد و چون مقامات برجسته در آن سهیم‌اند اقدام اساسی برای جلوگیری از آن نمی‌شود.

مقامهای ایرانی، این واقعیتها را صرفا نوعی «ادعا» می‌دانستند و توطئه برای بدنام کردن رژیم ایران، و به همین سبب پیشنهاد می‌کردند که تبلیغات وسیعی در جهت خنثی کردن این برنامه‌ها در سطح جهانی صورت گیرد. آنوقت برای راه انداختن چنین تبلیغاتی، میلیونها تومان بودجه بیت‌المال را صرف حاتم‌بخشی‌ها و حق‌السکوت دادنها می‌کردند یا به کسانی می‌دادند که می‌بایست چنین تبلیغاتی را راه بیاندازند. قسمتی از این بسیج همگانی ابادی شاه مخلوع و اطرافیانش را در صفحه ۵ همین سند می‌خوانید. این درحالیست که ۱۵ مورد آن که در صفحه ۴ همین سند مندرج بوده گم شده و فقط ۱۰ مورد آن باقی مانده، با این حال همین ۱۰ مورد را مرور می‌کنیم. راههای پیشنهادی برای مقابله با تبلیغات به اصطلاح ضد ایرانی و در واقع ضد رژیم شاه بوده است.

- دعوت از شخصیتهای موثر اتحادیه‌های کارگری و سازمانهای غیرنظامی و روزنامه‌نگاران برجسته برای دیدار از ایران.
- آگهی شرکتهای خصوصی ایرانی در مطبوعات غرب. این آگهی‌ها می‌تواند مضمون سیاسی غیرمستقیم داشته باشد. مثلاً یک شرکت ایرانی می‌تواند ضمن تبلیغ برای خود بگوید: «۴۹ درصد سهام ما متعلق به کارگران ماست.»
- اعزام شخصیت‌های دولتی و غیردولتی وارد و مستخدم برای سخنرانی، مصاحبه و دادن کنفرانس در کشورهای غربی (البته کسانی باید پرونده که می‌دانند چطور باید با غربی‌ها صحبت کرد)
- اجازه انتشار یک یا دو مجله هنری و ادبی جدید در ایران در صورت لزوم برای موفقیت بیشتر این برنامه.
- افزودن بر مطالب مسلکی و سیاسی نشریات رستاخیز.
- تقویت کادرهای سیاسی و مطبوعاتی سفارتخانه‌های شاهنشاهی در واشنگتن، لندن، بن، پاریس، رم، لاهه، بروکسل و استکهلم.
- تهیه لیستی از ۵۰۰ تحصیلکرده کشورهای غربی برای نوشتن نامه به مطبوعات غرب و دفاع از ایران.
- تشویق خارجی‌های مقیم ایران به شرکت در برنامه مقابله با تبلیغات ضد ایرانی.
- استفاده از مامورین ایران در غرب که زندگی تجملی کنند و روحیه انقلابی سنره داشته باشند و بکوشند تا با مردم محل تماس داشتی و سازنده برقرار کنند.
- برگزاری سمینارها و کنفرانس‌های مشترک با کشورهای گوناگون از طریق دانشگاهها و مؤسسات پژوهشی ایران.
- استفاده از سازمانهای موجود که در حال حاضر در واقع فعالیتی از نظر مقابله با اقدامات ضد ایرانی انجام نمی‌دهند.

بدین ترتیب می‌بینیم در روزهائی که ملت ایران از هر سو زیر فشار دربار طاغوت و جلادان ساواک قرار داشت و در فقر و تنگدستی شدید دست و پا می‌زد، شاه و اباداهش برای حفظ قدرت کاذب خود چگونه سعی در تحمیق افکار عمومی جهان، دادن رشوه به شهرسازهای غربی و بر باد دادن بیت‌المال ملت بودند. در همین حال دانشجویان و ایرانیان مقیم خارج تحت نظارت دقیق و مستمر عوامل ساواک قرار داشتند و ساواک قرار بود با تشکیل کمیته‌ها و ارسال نامه‌ها و تلگرامهای تهدیدآمیز به آنها، آنان را مرعوب کند. در این جلسه که نامه مورد بحث قرار گرفته است، سخن از تشکیل کمیته‌ها و ارسال نامه‌ها و تلگرامهای تهدیدآمیز به دانشجویان و ایرانیان مقیم خارج است.

## بازداشت‌های غیرقانونی، زندانی کردن مخالفان بدون محاکمه، شکنجه مخالفان، ممنوعیت فعالیت احزاب سیاسی به جز حزب رستاخیز از جمله دلایل حمله گروههای مترقی بین‌المللی به رژیم شاه مخلوع بود.

## صف خرید مایحتاج عمومی در خرمشهر

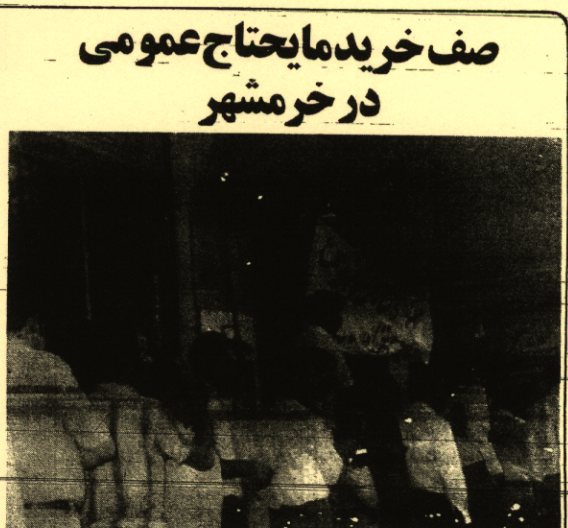

گوشه‌ای از صف مردم خرمشهر برای خرید گوشت. از اینگونه صفها در این شهر، زیاد می‌توان دید.

### ● مردم خرمشهر، برای خرید بعضی از اجناس ضروری به شهرهای مجاور میروند.

برای خرید مایحتاج روزانه در خرمشهر باید مدتها دوندگی کرد و ساعتها در صف نوبت ایستاد تا موفق به خرید جنسی شد که از کیفیت خوبی هم برخوردار نیست.

مثلاً برای خرید نیم کیلو گوشت باید در صف نوبت بایستی و انواع بق رندهای فروشنده، آنرحمل کسی و حرف مفت نزنی، چرا که اگر کسی به کیفیت گوشت اعتراض کند بلافاصله جای گوشت در وسط خیابان است!

خرمشهری‌ها برای خرید اجناس مثل پودر رختشوئی یا مایع ظرفشوئی، حتی به شهرهای همجوار نیز میروند ولی بدون اینکه توفیقی بدست آورند به منزل بر میگردند زیرا فروشندگان شهرهای همجوار اگر هم جنس داشته باشند به غریبها جنس نمی‌فروشند.

این امر خانواده‌ها را بر آن داشته است که طفیلهای خود را در شهرستانهای دیگر به خرید جنس و فرستادن آن تشویق کنند اما در عوض آنهائی که کسی را در شهرستانهای مجاور نمیشناسند باید بسوزند و بسازند.

به تماشای یک صف نوبتی که برای خرید گوشت تشکیل شده بود ایستادیم، یک جمله بیش از همه به گوش میرسید و آن این بود. «آقا نوبت را رعایت کنید». صاحب دکان فریاد می‌کشید. میفروشها صف نوبت درازتر و درازتر میشد چنانکه در خیابان و پیادروها جا برای سوزن انداختن نبود. با آنهمه شلوغی خدا را باید شکر گفت که پاسدار مسلح مامور حفظ نظم بود. مردم گاه‌گاهی دعا بجان شهردار میگردند پیرزنی زیر چادر مشکی خود را به جمعیت زده بود و بسوی ترارد پیچی میرفت و میپرسید «آقای جان، ببخشید